

کتاب دانیال - شماره یکصد و شانزدهم

انتقام کے دنوں کا انکشاف: یرمیاہ کی تنبیہ اور آخری نسل کی ایک نبوتی جستجو

Jeff Pippenger

2024-03-04

در مقاله پیشین، ارمیا باب پنجاه را بررسی می‌کردیم، و در آن بخش، داوری بر بابل مطرح است؛ داوری‌ای که با قانون یکشنبه‌ای که به زودی در ایالات متحده پدید می‌آید آغاز می‌شود و با غضب خدا به پایان می‌رسد. داوری اجرایی همان روز انتقام خداوند است که با ویرانی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی به تصویر کشیده شد. ویرانی اورشلیم که در سال ۷۰ میلادی به وسیله روم تحقق یافت، پیش‌تر به وسیله ویرانی اورشلیم که نبوکدنصر انجام داده بود، نمونه‌سازی شده بود. این دو، با هم، دو شاهد برای داوری اجرایی فاحشه صور فراهم ساختند، که همان فاحشه مکاشفه باب هفدهم نیز هست.

ارمیا به ما آگاه می‌سازد که هنگامی که انتقام خداوند بر بابل جدید به انجام رسد، که با قانون یکشنبه که به زودی خواهد آمد آغاز می‌شود، «در آن ایام و در آن زمان، خداوند می‌گوید، عصیان اسرائیل را خواهند جست‌وجو کرد و نخواهد بود؛ و گناهان یهودا را، و یافت نخواهد شد: زیرا آنان را که برای خود نگاه می‌دارم خواهم آمرزید.» در آن ایام، مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر پیشاپیش به انجام رسیده خواهد بود.

«ای برادران، در این کار عظیم آمادگی چه می‌کنید؟ آنان که با جهان متحد می‌شوند، قالب دنیوی را می‌پذیرند و برای نشان وحش مهیا می‌گردند. اما آنان که به خویشتن اعتماد ندارند، که در حضور خدا خود را فروتن می‌سازند و جان‌های خویش را به وسیله اطاعت از حقیقت پاک می‌کنند، اینان قالب آسمانی را دریافت می‌دارند و برای مهر خدا بر پیشانی‌هایشان آماده می‌شوند. هنگامی که فرمان صادر گردد و آن نقش نهاده شود، سیرت ایشان تا ابد پاک و بی‌لکه باقی خواهد ماند.» شهادت‌ها، جلد ۵، ص. ۲۱۶.

قضای اجرایی با صدای دوم مکاشفه باب هجدهم آغاز می‌شود؛ همان صدا که مردان و زنان را فرا می‌خواند تا از بابل بگریزند، و ارمیا می‌گوید: «روزشان فرارسیده است، زمان بازخواست ایشان. آواز آنان که می‌گریزند و از سرزمین بابل رهایی می‌یابند، تا در صهیون انتقام یهوه خدای ما را اعلام کنند، انتقام هیکل او را. کمانداران را بر ضد بابل فراخوانید: ای همه شما که کمان را می‌کشید، گرداگرد آن اردو زنید؛ مگذارید کسی از آن بگریزد: او را موافق کردارش جزا دهید؛ بر حسب هرآنچه کرده است، با او همان‌گونه رفتار کنید.» داوری او به وسیله «کمانداران» به انجام می‌رسد. نخستین اشاره به یک کماندار در کتاب مقدس درباره اسماعیل است.

و خدا آواز پسر را شنید؛ و فرشته خدا از آسمان هاجر را ندا داد و بدو گفت: ای هاجر، تو را چه شده است؟ مترس، زیرا خدا آواز پسر را در همان جایی که هست شنیده است. برخیز، پسر را بردار و او را با دست خود نگاه دار، زیرا او را امتی عظیم خواهم ساخت. آنگاه خدا چشمان او را گشود، و چاه آبی دید؛ پس رفت و مشک را از آب پر کرد و پسر را نوشانید. و خدا با آن پسر بود؛ و او نمو کرد و در بیابان ساکن شد و تیرانداز گردید. پیدایش ۲۱:۱۷-۲۰

«ساعت زلزله عظیم» در مکاشفه باب یازده، آغاز داوری اجرایی بر فاحشه روم را مشخص می‌سازد؛ داوری‌ای که با قانون یکشنبه قریب‌الوقوع در ایالات متحده آمریکا آغاز می‌شود. در آن «ساعت»، «وای سوم به زودی می‌آید. و فرشته هفتم نواخت.» وای سوم، همان شیپور هفتم است. این تیراندازان

اسلام‌اند کہ بہ کار گرفتہ می‌شوند تا داوری او را بر کسانی اجرا کنند کہ نشان اقتدار پاپی (عبادت یکشنبہ) را تحمیل می‌کنند و آنان را کہ نشان اقتدار خدا (عبادت سبت) را پاس می‌دارند، آزار می‌رسانند.

در باب بیست و یکم انجیل لوقا، عیسی در پاسخ بہ پرسش‌های شاگردان دربارهٔ ویرانی اورشلیم و ہیکل، روایتی تاریخی ارائه می‌کند کہ در عین حال نمایانگر تاریخ ایام آخر نیز ہست. او بہ «ایام انتقام» اشارہ می‌کند؛ امری کہ از ویژگی‌های اساسی و نبوی خدمت او بہ عنوان مسیحا بود، و آن را در اعلام آغازین خدمت خویش، ہنگامی کہ از نبی اشعیا در کلیسای ناصرہ قرائت کرد، مشخص ساخت. آن اعلان در ناصرہ، و آن بخش از اشعیا، نہ تنها خدمت او، بلکہ پیام شاگردانش، و بہ طور مشخص تر کار و خدمت جنبش صد و چہل و چہار ہزار را نیز نمایندگی می‌کرد.

روح خداوند یہوہ بر من است، زیرا یہوہ مرا مسح کردہ است تا بہ حلیمان بشارت دہم؛ او مرا فرستادہ است تا شکستہ‌دلان را التیام بخشم، و برای اسیران آزادی را اعلام کنم، و برای بندیان گشایش زندان را؛ تا سال مقبول یہوہ و روز انتقام خدای ما را اعلام نمایم؛ تا ہمہ ماتمیان را تسلی دہم؛ تا برای ماتمیان صہیون مقرر دارم کہ بہ ایشان بہ جای خاکستر، جمال بخشم، و بہ جای ماتم، روغن شادمانی، و بہ جای روح اندوہ، ردای حمد؛ تا ایشان درختان عدالت نامیدہ شوند، غرس یہوہ، تا او جلال یابد. و ایشان ویرانہ‌های کهن را بنا خواہند کرد، و خرابی‌های پیشین را برپا خواہند نمود، و شہرهای ویران را تعمیر خواہند کرد، یعنی خرابی‌های نسل‌های بسیار را. و بیگانگان خواہند ایستاد و گلہ‌های شما را خواہند چرانید، و پسران اجنبی شخم‌زنان و باغبانان تاکستان‌های شما خواہند بود. اما شما کاهنان یہوہ نامیدہ خواہید شد؛ مردم شما را خادمان خدای ما خواہند خواند؛ و شما ثروت امت‌ها را خواہید خورد، و بہ جلال ایشان فخر خواہید نمود. بہ جای شرمساری شما، نصیب مضاعف خواہد بود؛ و بہ جای رسوایی، در نصیب خویش شادمان خواہند شد؛ بنابراین، در سرزمین خود، دو چندان را بہ میراث خواہند برد؛ و شادی جاودانی از آن ایشان خواہد بود. زیرا من، یہوہ، انصاف را دوست می‌دارم و غارت را برای قربانی سوختنی مکروہ می‌شمارم؛ و کار ایشان را در راستی استوار خواہم ساخت، و با ایشان عہدی جاودانی خواہم بست. و ذریت ایشان در میان امت‌ها معروف خواہد شد، و نسل ایشان در میان قوم‌ها؛ ہر کہ ایشان را ببیند، خواہد شناخت کہ ایشان ذریتی ہستند کہ یہوہ برکت دادہ است. در یہوہ بہ غایت شادمان خواہم شد، و جانم در خدایم وجد خواہد کرد؛ زیرا او مرا بہ جامہ‌های نجات ملبس ساختہ، و ردای عدالت را بر من پوشانیدہ است، همچنان کہ داماد خویشتن را بہ زیورہا می‌آراید، و عروس خود را بہ جواهراتش زینت می‌دہد. زیرا ہمان‌گونہ کہ زمین غنچہ خود را می‌رویاند، و باغ آنچه را در آن کاشتہ شدہ است بہ رویش می‌آورد، همچنین خداوند یہوہ عدالت و حمد را در برابر ہمہ امت‌ها خواہد رویانید. اشعیا ۶۱-۱۱.

آن یکصد و چہل و چہار ہزار نفری کہ در فصل نہم حزقیال مہر شدہ‌اند، کسانی ہستند کہ بر گناہان در کلیسا و در جہان ماتم می‌کنند. «سال مقبول خداوند، و روز انتقام خدای ما» زمانی است کہ آنان کہ در صہیون ماتم می‌کنند تسلی می‌یابند و برای آنکہ «خداوند را تمجید نمایند»، «درختان عدالت» می‌گردند. آنان خداوند را تمجید می‌نمایند، زیرا «در آن ایام و در آن زمان، خداوند می‌گوید، عصیان اسرائیل جستجو خواہد شد و چیزی یافت نخواہد شد.» آنان کہ ماتم می‌کنند، همان کسانی ہستند کہ مہر شدہ‌اند، و همانان اند کہ «ویرانہ‌های قدیم را بنا خواہند نمود»، کہ «خرابی‌های نخستین را برپا خواہند ساخت، و» کہ «شہرهای ویران، یعنی خرابی‌های نسل‌های بسیار را تعمیر خواہند کرد.» ایشان «کاهنان خداوند» نامیدہ خواہند شد، و مردم ایشان را «خادمان خدای ما» خواہند خواند.

انصاف ایک لاکھ چوالیس ہزار کو "تمام قوموں کے سامنے ظاہر ہونا" ہے، جب عظیم زلزلہ کے وقت انہیں ایک جھنڈے کے طور پر بلند کیا جائے گا۔ ان کی راست بازی تدریجاً ظاہر کی جاتی ہے، کیونکہ "جس طرح زمین اپنی کونپل نکالتی ہے، اور باغ اُن چیزوں کو جو اُس میں بوئی گئی ہوں اُگاتا ہے، اُسی طرح

خداوند خدا راست بازی اور حمد کو اُگائے گا۔" ایک لاکھ چوالیس ہزار پر مہر ہونے کا آغاز یکم ستمبر 2001 کو بعد کی بارش کے پہنچنے کے وقت ہوا۔ اُسی وقت زمین کی کونپلیں نکالی گئیں۔ یسعیاہ یہ متعین کرتا ہے کہ کونپلیں کب پھوٹتی ہیں۔

بہ اندازہ، چون آن را بہ پیش فرستی، با آن محاکمہ خواہی کرد؛ او باد سخت خویش را در روز باد شرقی بازمی دارد۔ پس بہ این سبب، عصیان یعقوب پاک خواهد شد؛ و تمامی ثمر این است کہ گناہ او برداشته شود؛ آنگاہ کہ ہمہ سنگ‌های مذبح را همچون سنگ‌های گچ کہ درہم کوفتہ شدہ باشند، بسازد؛ و بیشہ‌ها و تمثال‌ها برپا نخواہند ماند۔ اشعیا 27:8، 9

در «روز باد شرقی» کہ «باد سخت» اوست و «آن را بازمی دارد»، «روئیدن» غنچہ‌ها آنگاہ آغاز خواہد شد کہ باران «بہ اندازہ» دادہ شود۔ «بازمی دارد» یعنی مہار می‌کند۔ ہنگامی کہ چہار باد بہ وسیلہ چہار فرشتہ باب ہفتم مکاشفہ مہار شوند، مہر کردن یکصد و چہل و چہار ہزار تن آغاز می‌شود۔ در آن زمان، باران آخر بہ اعتدال آغاز بہ «پاشیدن» می‌کند، زیرا واژہ «اندازہ» در آن آیہ بہ معنای اعتدال است۔ در آغاز دورہ مہر کردن یکصد و چہل و چہار ہزار تن، باران آخر بہ اندازہ است، و در پایان دورہ، بی‌اندازہ است۔

«آن بارش عظیم روح خدا، کہ تمام زمین را با جلال او روشن می‌سازد، فرا نخواہد رسید مگر آن‌گاہ کہ قومی روشن شدہ داشتہ باشیم کہ از راہ تجربہ بدانند ہمکار خدا بودن چہ معنا دارد۔ ہنگامی کہ خود را با تقدیسی کامل و از صمیم تمامی دل بہ خدمت مسیح بسپاریم، خدا این واقعیت را با افاضہ روح خود بی‌حد و اندازہ تصدیق خواہد کرد؛ اما این امر تا وقتی واقع نخواہد شد کہ بخش اعظم کلیسا ہمکار خدا نباشند۔ خدا نمی‌تواند روح خود را فرو ریزد، ہنگامی کہ خودخواہی و عیش طلبی نفسانی چنین آشکار است؛ ہنگامی کہ روحیہ‌ای حاکم است کہ اگر بہ قالب الفاظ درآید، همان پاسخ قائل را بیان خواہد کرد: "آیا من نگہبان برادر ہستم؟" اگر حقیقت مخصوص این زمان، اگر نشانہ‌هایی کہ از ہر سو فزونی می‌گیرند و گواہی می‌دہند کہ پایان ہمہ چیز نزدیک است، برای بیدار ساختن نیروی خفتہ کسانی کہ دعوی شناخت حقیقت را دارند کافی نباشد، آنگاہ تاریکی‌ای متناسب با نوری کہ بر آنان تابیدہ است این جان‌ها را فرا خواہد گرفت۔ در روز عظیم حساب رسی نہایی، حتی شاہیہ‌ای از عذر برای بی‌تفاوتی خود نخواہند داشت کہ بتوانند بہ خدا عرضہ کنند۔ ہیچ دلیلی برای ارائہ نخواہند داشت کہ چرا در نور حقیقت مقدس کلام خدا زندگی نکردند و سلوک نمودند و عمل نور زدند، و بدین سان از طریق رفتار، ہمدردی، و غیرت خود، بہ جہانی کہ از گناہ در تاریکی فرو رفتہ است آشکار نساختند کہ قدرت و واقعیت انجیل را نمی‌توان انکار کرد۔" ریویو اند ہرالڈ، ۲۱ ژوئیہ ۱۸۹۶ء۔

دورہ آزمائش باران آخر اور ایک لاکھ چوالیس ہزار کی مہر بندی اُس وقت شروع ہوتی ہے جب رُوح القدس کے انڈیلے جانے کی پیمائش ہوتی ہے، کیونکہ گیہوں اور کڑوے دانے فصل کے وقت کو پہنچ چکے ہوتے ہیں۔ یہ بارش دونوں جماعتوں کو پختگی تک پہنچاتی ہے، پھر دورہ آزمائش کے اختتام پر گیہوں اور کڑوے دانے الگ کر دیے جاتے ہیں، اور اُس وقت گیہوں "تجربہ سے جان لیں گے کہ خدا کے ساتھ مل کر کام کرنے والے ہونے کا کیا مطلب ہے۔" پھر وہ "مسیح کی خدمت کے لیے کامل، ہمہ دلانہ تخصیص" رکھتے ہوں گے، "خدا اس حقیقت کو اپنے روح کے لیے اندازہ انڈیلے جانے سے تسلیم کرے گا۔"

«روز باد سخت شرقی» در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرا رسید، و مجادلہ حقوق درباره پیام قلبی «صلح و امنیت» در پیام باران آخر، در برابر پیامی کہ روز انتقام خدا را مشخص می‌سازد، آغاز شد۔ در آن ہنگام، نباتات، ہم گندم و ہم گرکاس، شروع بہ جوانہ زدن کردند و ثمری را پدید آوردند کہ در داوری قانون یک شبہ قریب الوقوع آشکار می‌ساختند۔

«باز ہم، این مثل‌ها تعلیم می‌دہند کہ پس از داوری، دیگر ہیچ زمان آزمون و مہلتی وجود نخواہد داشت۔ ہنگامی کہ کار انجیل بہ پایان برسد، بی‌درنگ جدایی میان نیکان و شریران در پی

یک گروہ در باب ہشتم حزقیال بہ خورشید سجدہ می کند، و گروہ دیگر در باب نہم حزقیال مہر خدا را دریافت می نماید۔ در باب بیست و یکم لوقا، مسیح یکصد و چہل و چہار ہزار نفر را مشخص می سازد، و نشانہ ای را پیش می نهد کہ نسل نہایی تاریخ زمین را متمایز می کند۔ او آن نشانہ ای را تعیین کرد کہ مسیحیان باید آن را تشخیص دہند تا از ویرانی اورشلیم بگریزند۔

اور جب تم یروشلم کو فوجوں سے گھرا ہوا دیکھو، تو جان لو کہ اُس کی ویرانی نزدیک ہے۔ اُس وقت جو یہودیہ میں ہوں وہ پہاڑوں کی طرف بھاگ جائیں؛ اور جو اُس کے اندر ہوں وہ نکل جائیں؛ اور جو دیہات میں ہوں وہ اُس میں داخل نہ ہوں۔ کیونکہ یہ انتقام کے دن ہیں، تاکہ وہ سب باتیں جو لکھی گئی ہیں پوری ہوں۔ لوقا 21:20-22۔

عیسیٰ «فرمان بر فرمان» ویژگی های نبوی بیشتری از آن نشانہ را بیان کرد، زیرا سخنان او نہ تنها بہ وسیلہ لوقا، بلکہ ہمچنین بہ وسیلہ متی و مرقس نیز ثبت شدہ است۔

اور یہ بادشاہی کی خوشخبری تمام دنیا میں سب قوموں کے لیے گواہی کے طور پر منادی کی جائے گی؛ اور پھر انجام آئے گا۔ پس جب تم اُس اُجڑنے والی مکروہ چیز کو، جس کا ذکر دانی ایل نبی کی معرفت ہوا، مقدس جگہ میں کھڑا ہوا دیکھو، (جو پڑھے، وہ سمجھے) تو جو یہودیہ میں ہوں وہ پہاڑوں کی طرف بھاگ جائیں۔ متی 14:24-16۔

اور لازم ہے کہ پہلے خوشخبری سب قوموں میں منادی کی جائے۔ لیکن جب وہ تمہیں لے جائیں اور حوالہ کریں تو پہلے سے فکر نہ کرنا کہ تم کیا کہو گے، اور نہ پہلے سے غور کرنا؛ بلکہ جو کچھ اس گھڑی تمہیں عطا کیا جائے، وہی کہو، کیونکہ بولنے والے تم نہیں ہو بلکہ روح القدس ہے۔ اور بھائی بھائی کو قتل کے لیے پکڑوائے گا، اور باپ بیٹے کو؛ اور اولاد اپنے والدین کے خلاف اٹھ کھڑی ہوگی اور انہیں قتل کرائے گی۔ اور میرے نام کے سبب سب لوگ تم سے عداوت رکھیں گے؛ لیکن جو آخر تک ثابت قدم رہے گا، وہی نجات پائے گا۔ لیکن جب تم اُس اُجڑ دینے والی مکروہ چیز کو، جس کا ذکر دانی ایل نبی کی معرفت ہوا، وہاں کھڑا دیکھو جہاں اسے نہ ہونا چاہیے، (پڑھنے والا سمجھ لے، تب جو یہودیہ میں ہوں وہ پہاڑوں کی طرف بھاگ جائیں۔ مرقس 10:13-14۔

پیش از آنکہ ہفت بلای آخر، کہ تحقق نہایی و کامل «ایام انتقام» است، بر دو طبقہ بہ انجام رسد، باید انجیل ملکوت در میان جمیع امت ہا موعظہ و اعلام گردد۔ پیام انجیل در آستانہ قانون یک شنبہ کہ بہ زودی در ایالات متحدہ برقرار خواہد شد، بہ امت ہا دادہ می شود، ہنگامی کہ صد و چہل و چہار ہزار نفر ہمچون عَلمی برافراشتہ می شوند۔ «ایام انتقام» نمایانگر دورہ داوری اجرایی فاحشہ بابل است، کہ با قانون یک شنبہ در ایالات متحدہ آغاز می شود و ہنگامی پایان می یابد کہ میکائیل برمی خیزد و مہلت آزمایش بشر بستہ می شود و غضب خدا در ہفت بلای آخر فرو ریختہ می گردد۔

مدتِ زمان همان «ساعت»ی است کہ مرقس آن را مشخص می سازد، و «ساعت» «زلزلہ عظیم»، و «ساعت»ی کہ دہ پادشاہ موافقت می کنند تا پادشاہی ہفتم خود را بہ پاپیت بسپارند۔ ہنگامی کہ آخرین جان انجیل اعلام شدہ بہ ہمہ امت ہا را بپذیرد، مہلت فیض پایان می یابد، و غضب خدا بی رحمانہ فرو ریختہ می شود۔ آن دورہ با اعلام انجیل بہ ہمہ امت ہا، ہم زمان با برافراشتہ شدن عَلم، آغاز می شود و آنگاہ پایان می یابد کہ آخرین شخص بہ پیام انجیل کہ بہ وسیلہ آن عَلم اعلام و موعظہ و منتشر شدہ است پاسخ دہد۔ آن مدتِ زمان همان «ایام انتقام» است۔

در انجیل لوقا، باب بیست و یک، عیسیٰ بہ طور دقیق بہ آن مقطع از تاریخ اشارہ می کند، زیرا او نسل نہایی را مشخص می سازد؛ نسلی کہ پیش از آمدن دوبارہ او نخواہد مرد۔ او نشانہ ای را معرفی

می‌کند که به صورت «مکروه ویرانگر» که دانیال نبی از آن سخن گفته است، نمود می‌یابد. این نشانه هنگامی است که «مکروه ویرانگر» در «مکان مقدس» برپا باشد، و آنگاه که «در جایی ایستاده باشد که نباید بایستد»، که همان زمانی نیز هست که اورشلیم «به وسیله لشکرها محاصره شده باشد».

هنگامی که اورشلیم در سال ۶۶ میلادی به وسیله سپاهیان سیستیوس در محاصره قرار گرفت، مسیحیان ساکن اورشلیم از شهر گریختند، و خواهر وایت تصریح می‌کند که در جریان آن ویرانی که سرانجام در سال ۷۰ میلادی پایان یافت، حتی یک مسیحی نیز جان نداشت. سیستیوس محاصره‌ای را آغاز کرد، و سپس به دلایلی که ظاهراً ناشناخته است عقب‌نشینی نمود، و مسیحیان شهر، در هماهنگی با هشدارهای که با آن نشانه مرتبط بود، گریختند. در سال ۷۰ میلادی، تیتوس با برقراری بار دیگر محاصره، ویرانی را به انجام رسانید. محاصره سیستیوس آغاز آن چیزی بود که جنگ نخست یهودی-رومی نامیده می‌شود، و محاصره و ویرانی‌ای که به وسیله تیتوس تحقق یافت، پایان جنگ نخست یهودی-رومی بود.

تمامی این تاریخ سه سال و نیم به طول انجامید، با محاصره‌ای آغاز شد و با محاصره‌ای پایان یافت، و آغاز آن دربردارنده نشانه‌ای برای قوم خدا بود. این تاریخ از سوی مسیح به عنوان ایام انتقام خدا شناخته شد؛ امری که عنصری معین بود و او می‌بایست آن را در خدمت خویش مشخص سازد. آن ایام نمایانگر داوری اجرایی بر فاحشه روم است که با قانون یکشنبه قریب الوقوع آغاز می‌شود و هنگامی پایان می‌یابد که مهلت آزمون بشری بسته شود. در آغاز داوری اجرایی بر فاحشه بابل، صد و چهل و چهار هزار تن چون عظمی برافراشته می‌شوند که همان نشانه است. هنگامی که گله دیگر خدا آن نشانه را ببینند، باید از بابل بگریزند؛ بابل که نابودی‌اش به وسیله نابودی اورشلیم به صورت نمادین پیش‌نموده شده بود.

ما به بررسی باب بیست و یکم انجیل لوقا در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.